Journal of Fiqh and Usul
Vol. 52, No. 4, Issue 123
Winter 2021
DOI: https://doi.org/10.22067/jfu.v52i4.79968

فقه و اصول
سال پنجاه و دوم، شماره ۴، شمارهٔ پیاپی ۱۲۳
زمستان ۱۳۹۹، ص ۱۰۷-۸۷

بررسی ادلهٔ جواز یا حرمت تولید و انباشت سلاح‌های کشتارجمعی *

دکتر مهدی ربانی[۱]
دانش آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی
Email: mahdirabbani43@yahoo.com
دکتر عباسعلی روحانی
استاد پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی
Email: abbasali-roohani@hotmail.com

چکیده

در آموزه‌های فقهی بر آمادگی دفاعی در برابر دشمنان تأکید فراوانی شده است. یک جنبه از این آمادگی، مجهزشدن به انواع ابزارآلات جنگی و دفاعی است و برخی از این ابزارآلات، سلاح‌های نامتعارفی چون هسته‌ای و شیمیائی‌اند که به‌دلیل غیرقابل مهاربودن آثار و قدرت تخریبی بسیار بالای آن‌ها، سلاح‌های کشتارجمعی نامیده شده‌اند. سؤال اساسی این است که صرف‌نظر از جواز یا عدم جواز به‌کارگیری، آیا از نظر شرعی تولید و انباشت این نوع سلاح‌ها جایز است؟ و دولت اسلامی می‌تواند به‌منظور آمادگی دفاعی در برابر دشمنان اقدام به این کار اقدام کند؟ اگر چه ظاهر برخی از آیات و روایات دلالت بر جواز، بلکه لزوم تولید و نگهداری این نوع سلاح‌ها به‌منظور حفظ آمادگی دفاعی در برابر دشمن می‌کند، لکن باتوجه به هدف نهایی این آمادگی که تقویت زمینه صلح و امنیت است، می‌توان گفت مجهزشدن به این سلاح‌ها با این هدف منافات داشته و مشمول این ادله نیست. نیز به دلایلی دیگر از جمله اینکه تولید، انباشت و افزایش توان تخریبی این گونه سلاح، خود عامل خوف و هراس در جامعهٔ بشری و برهم‌زدن امنیت و آرامش روحی است و اینکه مستلزم واردشدن ضرر و آسیب جدی به محیط‌زیست و انسان است و نیز اینکه داشتن این سلاح‌ها، قدرت‌آفرین نبوده و امنیت حاصل از آن دروغین است و از این رو ضامن تحکیم و حفظ قدرت دارندهٔ آن نیست؛ تولید و انباشت این سلاح‌ها کاری بیهوده، پرهزینه و پردردسر و مصداق اسراف و تضییع اموال بیت‌المال است و شرعاً جایز نیست.

کلیدواژه‌ها: سلاح کشتارجمعی، تولید و انباشت سلاح، صلح و امنیت، آمادگی دفاعی، قدرت دفاعی.

---

*. مقاله پژوهشی؛ تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۱/۱۹؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۸/۰٤/۱۵.
۱ . نویسنده مسئول

Examining the Proofs of Permissibility or Prohibition of Production and Stockpiling of Weapons Mass Destruction

Mahdi Rabbani, Ph.D. Ph.D. Graduate of Islamic Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution (corresponding author)

Abbas Ali Rouhani, Ph.D. Professor, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution

Abstract

In jurisprudential teachings, there is a lot of emphasis on defense readiness against the enemies. One aspect of this readiness is being equipped with all types of war and defense tools, some of which are unconventional weapons such as nuclear and chemical weapons that, due to their uncontrollable effects and very high destructive power, are called weapons of mass destruction. Regardless of permissibility or non-permissibility of their application, the main question is whether it is permissible to produce and stockpile such weapons from the viewpoint of Sharia and can the Islamic state do this in order to prepare for defense against the enemies? Although the appearance of some verses and narrations indicates permissibility and even the need to produce and stockpile this type of weapons in order to maintain defense readiness against the enemies, considering the ultimate goal of this readiness which is to strengthen the background for peace and security, it can be said that being equipped with such weapons contradicts this goal and is not covered by those proofs. In addition, for other reasons including the argument that production, stockpiling and increasing the destructive power of such weapons, themselves, cause fear and terror in human society and disturb mental security and peace and imply serious harm to environment and humans and that owning these weapons is not empowering and the resulting security is unreal and subsequently, does not guarantee the consolidation and maintenance of their holder's power; production and stockpiling of these weapons are futile, costly and troublous tasks and examples of extravagance and squandering the public treasury and are not permissible according to Sharia.

Keywords: Weapons of Mass Destruction, Production and Stockpiling of Weapons, Peace and Security, Defense Readiness, Defense Power

مقدمه

استفاده‌کردن از مواد تولیدشده توسط جانوران، گیاهان، باکتري‌ها و ویروس‌ها علیه نیروهاي انساني و منابع غذایي در جنگ‌های بشر، سابقه‌اي هزاران ساله دارد. استفاده از سموم جانوري یا گیاهي براي سمي‌کردن سر تیرهاي جنگي، استفاده از لاشۀ حیوانات مرده از طاعون براي شکستن مقاومت داخل قلعه‌ها و آلوده‌کردن منابع آبي شهرها از نمونه‌هاي باستاني به‌کارگیري سلاح‌هاي نامتعارف است.

این رویه در جهان متمدن نیز با پیچیدگی بیشتر، گسترش روزافزون و ابداع انواع جدیدی از این نوع سلاح‌ها مانند سلاح‌های هسته‌ای ادامه یافت. قدرت تخریبی سلاح‌های مدرن کشتارجمعی و آثار سوء آن به‌حدی است که می‌توان از آن به‌عنوان خطری بالقوه که نسل بشر، بلکه همۀ موجودات زنده را تهدید می‌کند یاد کرد.

آنچه که در مورد این سلاح‌ها شایان توجه است اینکه این نوع سلاح‌ها تنها اهداف نظامی و رزمندگان را نابود نمی‌کند، بلکه این نوع سلاح‌ها خصوصاً سلاح‌های هسته‌ای هیچ ذی‌حیاتی را باقی نمی‌گذارد و حتی آیندگان نیز از آثار سوء آن در امان نیستند و باعث بیماری‌های رقّت‌آور و ناتوانی جسمانی نسل‌های بعدی خواهد شد.

باتوجه‌به آثار سوء جبران‌نشدنی ناشی از به‌کارگیری این نوع سلاح‌ها که به‌دلیل قدرت تخریبی بسیار شدید و مهارنشدنی آثار آن‌ها، از یک طرف باعث کشته‌شدن شمار زیادی از انسان‌ها و خسارات فراوان به سازه‌های ساخت بشر و محیط‌زیست می‌شود و از طرف دیگر باتوجه‌به اینکه در اسلام بر آمادگی در برابر دشمنان و مجهزشدن به سلاح‌ها و ابزارآلات جنگی و دفاعی تأکید فراوانی شده است، این سؤال مطرح می‌شود که آیا تولید و انباشت این نوع سلاح‌ها به‌منظور ایجاد این آمادگی از نظر شرع اسلام جایز است؟ در این مقاله به بررسی ادلۀ جواز و عدم جواز تولید و انباشت این نوع سلاح‌ها می‌پردازیم.

تعریف سلاح کشتارجمعی

سلاح کشتارجمعی به جنگ‌افزاری گفته می‌شود که می‌تواند شمار بسیار زیادی انسان را کشته و خسارات فراوانی به سازه‌های ساخت بشر یا محیط‌زیست وارد کند. این سلاح‌ها در مقابل سلاح‌هائی قرار دارند که به سلاح‌های متعارف موسوم هستند. به‌طورکلی دو معیار برای تشخیص این سلاح‌ها از سایر تسلیحات مطرح است: یکی قدرت تخریبی این سلاح‌ها و دیگری اهداف آن‌ها.

بر اساس معیار دوم تنها به سلاح‌هائی می‌توان سلاح کشتارجمعی اطلاق کرد که ماهیتاً جز به‌منظور انهدام وسیع به کار نمی‌رود و آثار مخرب آن، چنان است که نمی‌توان به اهداف معینی محدود شود. این

آثار عموماً غیرقابل پیش‌بینی و مهارناشدنی است که به همین سبب این سلاح‌ها را سلاح وحشت نیز می‌نامند. (ممتاز، ۱۵-۱٦)

در حال حاضر سه نوع سلاح کشتارجمعی وجود دارد که عبارت‌اند از: سلاح اتمی، سلاح شیمیایی و سلاح بیولوژیک.

آثار زیانبار ناشی از کاربرد سلاح‌های کشتارجمعی

اگرچه دانش هسته‌ای و شیمی و بیولوژیک در زندگی بشر دارای اهمیت فراوانی است و فوائد بی‌شمار بلکه حیاتی برای انسان دارد، لکن سلاح‌های ساخته‌شده در سایهٔ همین علوم، دارای آثار وحشتناکی است که برای تصور صحیح‌تر از موضوع مورد بحث لازم است به بخشی از این آثار اشاره شود.

سلاح‌های هسته‌ای به دلیل اینکه از مواد هسته‌ای ساخته می‌شوند قدرت تخریب زیاد و کنترل‌نشدنی دارند که در صورت استفاده، حجمی وسیع از انرژی آزاد می‌کنند. این امر موجب کشتار و تخریب جمعی می‌گردد درصورتی‌که یک کلاهک گرمایی هسته‌ای یک‌مگاتنی در مناسب‌ترین ارتفاع روی یک شهر بزرگ منفجر شود تا پنج مایلی، موجودی زنده نخواهد ماند. پس از انفجار تا سال‌های طولانی تشعشعات زیانبار رادیواکتیو مانع ادامهٔ حیات موجودات زنده در محل‌های نزدیک به انفجار می‌شود. اثر تشعشع یا پرتوهای رادیواکتیو (آلفا، گاما، نوترون) در اثر عمل یونیزه‌شدن به بافت‌های بدن انسان که در معرض تماس اشعه است، آسیب رسانده و علاوه‌برآن ژنتیک انسان را دچار آسیب و تغییر می‌سازد. بروز سرطان خون و استخوان و جهش‌های مصنوعی از آثار بیولوژیک این سلاح‌ها بر انسان است (مشیرپور، ۱۳۷-۱۳٦).

همچنین سلاح‌های شیمیایی مانند گاز سارین، خردل و فسفوژن و مانند آن‌ها روی سیستم عصبی یا دستگاه تنفسی و یا روی پوست بدن آثار مرگ‌بار یا صدمات جبران‌ناپذیری را وارد می‌کنند، همچنان که نشر عوامل بیولوژیکی به‌وسیلهٔ بمب یا هواپیما و... موجب ابتلای درصد بالایی از جمعیت و مرگ دسته‌جمعی می‌شود. تاریخچهٔ کاربرد این نوع سلاح‌ها، حاکی از آثار وحشتناک این نوع سلاح‌ها و کشتار دسته‌جمعی انسان‌ها به‌وسیلهٔ آن‌ها است.

بخش اول

دلایل جواز تولید سلاح‌های کشتارجمعی

مهم‌ترین ادله‌ای که برای تبیین حکم جواز تولید سلاح‌های کشتارجمعی می‌توان مطرح کرد، ادلهٔ وجوب آمادگی برای دفاع و لزوم مجهزشدن به سلاح‌هائی به‌منظور بازدارندگی دشمن است.

قسمت اول : آیات

آیهٔ اول:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» (انفال: ٦٠)

«هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آن‌ها (دشمنان) آماده سازید و اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به‌وسیلهٔ آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید»

این آیهٔ شریفه یک اصل حیاتی و ضروری برای مسلمانان ترسیم کرده است که باید در هر عصر و زمان، مورد توجه و اهتمام مسلمانان قرار گیرد که آن لزوم آمادگی دفاعی و مجهزشدن به سلاح‌ها و تجهیزات مناسب روز در برابر دشمنان است.

حکم «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» امر به تهیه و تدارک هرچه بیشتر نیروی مسلح و دفاعی به‌طور کلی، امر به آماده‌باش و مراقبت همیشگی در دورهٔ صلح و آرامش است» (خمینی،ولایت فقیه، ۳۳).

«کلمهٔ إعداد به‌معنای تهیه‌کردن چیزی است تا انسان با آن چیز به هدف دیگری که دارد برسد که اگر قبلاً آن را تهیه ندیده باشد، به مطلوب خود نمی‌رسد و کلمهٔ قوه در جنگ به‌معنای هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن امکان‌پذیر است؛ از قبیل اسلحه و مردان جنگی باتجربه و دارای سوابق جنگی و تشکیلات نظامی» (طباطبائی، ١١٤/٩)

با توضیحاتی که دربارهٔ آیه داده شد می‌توان نتایج زیر را از آیه به دست آورد:

نتیجهٔ اول

کلمهٔ «أعِدُّوا» امر است و ظهور در وجوب دارد و در اینجا قرینه‌ای هم که به‌واسطهٔ آن امر را حمل بر استحباب کنیم، وجود ندارد. بنابراین، این آمادگی و تهیهٔ امکانات دفاع و مقابله با دشمن واجب است و اگر به این نتیجه رسیدیم که این آیه شامل تهیهٔ سلاح‌های کشتارجمعی هم می‌شود، تولید و تهیهٔ آن‌ها نه‌تنها جایز بلکه واجب است (حب‌الله، ٣٦٨/٢)

نتیجهٔ دوم

جملهٔ «مَا اسْتَطَعْتُمْ» برای تهیهٔ امکانات، ابزارآلات و نیروهای جنگی و دفاعی یک حد بیشتر تعیین نمی‌کند و آن استطاعت است. بنابراین لزوم ارتقای قدرت دفاعی، محدود و مقید به چیزی نیست و همهٔ امکانات را در بر می‌گیرد جملهٔ « مَا اسْتَطَعْتُمْ» عام و کلمهٔ «قوة» که به‌صورت نکره آمده است، عمومیت آن را تقویت کرده و هر گونه نیرویی را شامل می‌شود». (مکارم شیرازی، ٢٧٣/٧)

روشن است که این آماده‌سازی نیرو و امکانات باید متناسب با زمان و برحسب مقتضیات زمان باشد؛

چراکه آیه، یک دستور وسیع برای همۀ قرون را بیان کرده است. بنابراین مفهوم وسیع آیه، هم از نظر زمانی و هم از نظر نوع آمادگی شامل سلاح‌های کشتارجمعی نیز می‌شود. برخی از محققان به این شـمول تصـریح کرده‌اند.

«آیه تصریح نموده است به اینکه ای مؤمنین! آماده کنید آنچه را که در توان دارید در هر زمانی به‌حسب مقتضیات آن زمان و اسلحه‌های آن زمان، چه از چوب و سنگ باشد و چه اسب‌های آماده و چه سلاح‌های هسته‌ای، همانطوری که در عصر ما وجود دارد». (یزدی، ۲۵٤/۲)

«آیه ظهور در آمادگی به‌منظور ایجاد ترس در دشمن دارد ولو اینکـه جنگـی واقـع نشـده باشـد و ایـن، قابلیت انطباق بر تلاش برای دسـتیابی بـه سـلاح‌های کشـتارجمعی یـا حـداقل بعضـی از آن‌هـا را دارد». (حب‌الله، ۳٦۸/۲)

اشکال به نتیجۀ دوم

امر به آمادگی و تهیۀ امکانات جنگی و دفاعی انصراف به سلاح‌های متعارف دارد و شـامل سـلاح‌های غیرمتعارف یعنی سلاح‌های کشتارجمعی نمی‌شود و دلیل این انصراف، کثرت استعمال سلاح‌های متعارف است. از اشکال انصراف، دو پاسخ داده می‌شود.

پاسخ اول

انصراف انواع و اقسامی دارد که به‌طورکلی می‌توان آن را به دو قسم تقسیم کرد:

۱. **انصراف ظهوری**

در انصراف ظهوری منشأ انصراف، ظهور خود لفظ است؛ به این معنی که منشأ انصراف ذهن ما در اثر کثرت استعمال از یک لفظ به سوی یک فرد یا یک صنف از افراد یا اصناف، ظهور خود لفـظ در آن فـرد یـا صنف باشد؛ یعنی این لفظ مطلق، در خصوص این فرد یا صنف آن‌قدر زیاد استعمال شده که در اثر کثـرت استعمال، ظهور در این معنا پیدا کرده است، به‌طوری‌که هرگاه به‌طور مطلق به کار برده می‌شود، همین فـرد یا صنف به ذهن خطور می‌کند؛ مثلاً کلمۀ حیوان وضع شده است برای مطلق آنچه کـه حیـات دارد، خـواه انسان باشد یا سایر حیوانات. اما در نزد عرف به‌علت اینکه این کلمه در غیـر انسـان بسـیار اسـتعمال شـده است ذهن ما از استعمال این کلمه انصراف پیدا می‌کند به حیوانات دیگر غیر از انسان. چنین انصرافی مانع از تمسک به اطلاق است و به‌منزلۀ قرینۀ لفظیۀ متصله است که مـانع از ظهـور کـلام در اطـلاق می‌باشـد (نایینی، ۵۳۲/۱؛ خوئی،دراسات فی علم الاصول، ۳٤۱/۲؛ مظفر، ۲٤۲/۱؛ صدر، ۱٤۱/۲).

۲. انصراف بدوی

در انصراف بدوی منشأ انصراف خود لفظ نیست، بلکه سبب انصراف و منشأ آن خارجی اسـت؛ مـثلاً

آن فرد یا صنف معین در خارج غلبهٔ وجودی دارد و یا انسان‌ها با آن فرد یا صنف سروکار بیشتری دارند و در اثر ارتباط زیاد، ذهنشان با این فرد یا صنف مأنوس شده و از شنیدن آن لفظ همین مصداق به ذهن می‌آید بدون اینکه ظهور لفظی در کار باشد. چنین انصرافی مانع از تمسک به اطلاق کلام نیست؛ زیرا این انصراف بدوی است و با اندک تأملی زایل می شود (نایینی، ۵۳۲/۱؛ خوئی،دراسات فی علم الاصول، ۳٤۱/۲؛ مظفر، ۲٤۲/۱؛ صدر، ۱٤۱/۲)، چه اینکه دایرهٔ اطلاق «مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» وسیع‌تر از سازوبرگ جنگی و سلاح است و تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به‌نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد، شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی (مکارم شیرازی،۲٦۹/۷)؛ بنابراین همان طور که انصراف بدوی آیه به سازوبرگ جنگی و سلاح، با اندکی تأمل زایل می‌شود و مانع از ظهور کلام در مطلق توانمندی‌های مادی و معنوی نمی‌شود، انصراف بدوی به سلاح متعارف نیز با اندکی تأمل زایل شده و مانع از ظهور آیه در تمام سلاح‌های پیشرفتهٔ متناسب در هر عصر نمی‌شود.

پاسخ دوم

وقتی امری از طرف مولا صادر می‌شود و برای آن، هدف و غایتی ابراز می‌شود که فرد، نوع و یا صنف مطلوب را تعیین می کند و انصراف، تأثیری در این تعیین ندارد. در این آیه خداوند امر به إعداد قوا با هدف ایجاد خوف در دل دشمن کرده است. اینکه ما مأموریت داریم بر اساس امر در آیه، چه نوع نیرو و توانی را آماده سازیم، به تأمین آن هدف بستگی دارد (یزدی، ۲۵۵/۲)

«تجهیزات نظامی و دفاعی را تا مرز تهدید دشمنان گسترش دهید» (قرائتی، ۳٤٦/۳).

«وحشت دشمن از توان رزمی مسلمانان تعیین‌کنندهٔ مرز قدرت نظامی ضروری در جامعهٔ ایمانی است» (هاشمی رفسنجانی، ٤۰۰/٦).

بنابراین اگر مثلاً فقط با تربیت نیروهای انسانی جنگجو این هدف حاصل نمی‌شود، باید به تأمین اسلحهٔ کافی روی آورد یا مثلاً اگر داشتن سلاح‌های متعارف نیم‌قرن پیش، خوفی در دل دشمن ایجاد نمی‌کند باید سلاح‌های متعارف روز را تأمین کرد و همین‌طور اگر سلاح‌های متعارف، این هدف را تأمین نمی‌کند باید به سلاح‌های غیرمتعارف روی آورد. بنابراین انصراف در اینجا معنی ندارد، چه اینکه قید استطاعت «مَا اسْتَطَعْتُمْ» نیز شاهد بر این است که تمام توان را باید برای برآورده‌شدن آن هدف به کار گرفت و «قوة» را منحصر در نوعی خاص از توانمندی نمی‌کند؛ چه اینکه وقتی هدف حاصل شد دلیلی بر دستیابی به بیشتر از آن وجود ندارد.

«مقصود، ایجاد ترس در دشمن است که از آن تعبیر به بازدارنگی می‌شود. وقتی این هدف حاصل شد دلیلی بر دستیابی بیشتر از این مقدار وجود ندارد» (حب‌الله، ۳٦۹/۲)

نتیجهٔ سوم از آیه

هدف از امر به إعداد قوا در آیه، ایجاد هراس در دل دشمنان خداست: «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ».

این یک هدف منطقی و انسانی است که باعث جلوگیری دشمن از اقدام بـه جنـگ و تعـدی و تجـاوز می‌شود و دقیقاً این هدف در راستای صلح‌طلبی و استمرار آرامش و امنیت است.

مقیدکردن آمادگی همه‌جانبه و افزایش توان رزمی با هدف ترساندن دشمنان شناخته و ناشـناخته، خـود دلیلی است که این آمادگی برای افروختن آتش جنگ، کشـتار مـردم، ویرانـی آبادی‌هـا، تصـاحب امـوال و سرزمین‌ها و گسترش اصول بردگی و استعمار نیست؛ بلکه هدف جلوگیری از بـروز جنـگ اسـت (مکـارم شیرازی، ۲۷٤/۷).

تولید و انباشت سلاح‌های کشتارجمعی، این هدف منطقی و انسانی را تأمین می‌کند. بنابراین آیهٔ شریفه نه‌تنها دلیلی بر جواز تولید این نوع سلاح‌ها است، بلکه ما را به تولیـد و انباشـت سـلاح‌های کشـتارجمعی به‌عنوان سلاح‌های پیشرفتهٔ روز به‌منظور تحقق آن هدف انسانی ملزم می‌کند. «العلة تعمم» علت ذکرشـده در آیه، علاوه بر اطلاق آن تعمیم‌دهندهٔ حکم به هر آن چیزی است که ایـن هـدف را تـأمین کنـد؛ ازجملـه سلاح‌های کشتارجمعی.

اشکال اول به نتیجهٔ سوم آیه

در تأمین هدف معیَّن‌شده در آیه به‌وسیلهٔ سـلاح‌های کشـتارجمعی ایـن اشـکال بـه نظـر می‌رسـد کـه مقصود، ایجاد خوف در دل دشمنان به‌منظور جلوگیری از جنگ و نهایتاً ایجاد امنیـت و آرامـش در جامعـهٔ انسانی است. درحالی‌که وجود سلاح‌های بسیار خطرناک کشتارجمعی و تولید و انباشـت و افـزایش تـوان تخریبی آن‌ها، خود عاملی برای برهم‌زدن امنیت و آرامش روحی جامعه است.

نگاهی به آثار تخریبی و پیامدهای دردآور بمب‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک که در آغـاز مقالـه به آن اشاره شد، دل هر بشری را می لرزاند.

روزنامهٔ انگلیسی«سان» با انتشار گزارشی نوشته است: «در صورت آغاز جنگ جهانی سوم، بمب‌های هسته‌ای روسیه قادر خواهد بود سواحل شرقی آمریکا را در مدت فقط سه دقیقه نابود نمایـد. تنهـا یکـی از موشک‌های هسته‌ای می‌تواند برای همیشه ایالت نیویورک را نابود کند. علاوه بر این پـنج تـا شـش موشـک «ساناتا» «شیطان» کافی است ساحل شرقی آمریکا را از صحنهٔ گیتی حذف نماید» (روزنامهٔ کیهان ٦ آبـان ۱۳۹۵ شماره ۲۱٤۷٤: صفحهٔ آخر)

آیا وجود چنین سلاح خوفناکی ولو در دسـت مؤمنـان بـرای جامعـهٔ بشـری امنیـت و آرامـش روحـی می‌آورد؟ بنابراین تولید و انباشت سلاح‌های کشتارجمعی، نقض غرض از امر در آیه است و محقـق هـدف

نهایی آیه که ایجاد امنیت در جامعه است، نمی‌باشد.

امام خمینی و آیت‌الله خامنه ای بر این باورند که سلاح‌های کشتارجمعی نه‌تنها تأمین‌کنندهٔ صلح و امنیت جامعهٔ بشری نیستند، بلکه مصیبت و تهدیدی جدی علیه بشریت و امنیت می‌باشند (خمینی، ۳۹۳/۱۷؛ khamenei.ir)

دقیقاً همین تهدید و ناآرامی حاصل از وجود سلاح‌های کشتارجمعی، دولت‌ها و مجامع بین‌المللی را مجبور کرده است که با تنظیم قراردادهای بین‌المللی در جهت منع گسترش سلاح‌های کشتارجمعی بلکه خلع سلاح همهٔ دارندگان این نوع سلاح‌ها، تلاش کنند. نمونه‌هایی از این معاهدات به شرح زیر است:

۱. پروتکل ژنو راجع به منع استعمال گازهای خفه‌کننده و مسموم شبیه آن و همچنین مواد میکروبی در جنگ مورخ ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵.

۲.کنفوانسیون منع تکمیل و توسعه و تولید و ذخیرهٔ سلاح‌های باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سمی و انهدام این سلاح‌ها سال ۱۹۷۲.

۳. معاهدهٔ منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای(NPT) مصوب اول ژوئیه ۱۹۶۸.

۴. کنفوانسیون منع گسترش، تولید، انباشت و به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی و انهدام آن‌ها مصوب ۱۹۹۳.

بنابراین تولید و انباشت سلاح‌های کشتارجمعی صرف‌نظر از اینکه در دست چه دولت‌هایی باشد تهدید جدی علیه بشریت است، همچنان که به این مطلب در متن معاهدات بین‌المللی که به آنها اشاره شد اذعان شده است. بنابراین تعبیر درست در اینجا این است که «العلة تخصص» به این معنی که هر آنچه با علت نهایی حکم که تأمین امنیت و آرامش است منافات دارد از اطلاق آیه خارج می‌شود که از آن جمله تولید و انباشت سلاح‌های کشتارجمعی است.

بنابراین راه عاقلانه این نیست که در برابر دشمنان اسلام رقابت تسلیحاتی کشتارجمعی به راه بیاندازیم و با مجهزشدن به سلاح‌های کشتارجمعی این تهدید و خطر جهانی را افزایش دهیم بلکه راه عاقلانه تلاش مُجِدانه در جهت حذف این نوع سلاح‌های خطرناک است.

اشکال دوم به آیه :

سلاح‌های کشتارجمعی مصداق ((قوة)) نیستند

یک اشکال موضوعی نیز در این آیه مطرح است و آن اینکه آیا تولید و انباشت سلاح‌های کشتارجمعی در شرایط امروزی می‌تواند مصداق «قوة» در آیه باشد؟

اگرچه در ظاهر به نظر می‌رسد در اختیار داشتن سلاح‌های کشتارجمعی مخصوصاً سلاح‌های

هسته‌ای یک قدرت محسوب می‌شود و ابرقدرت‌ها با تکیه به قدرت هسته‌ای و مجهزبودن به سلاح‌های اتمی در دنیا سلطه پیدا کرده‌اند و حتی پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل، حق وتو را در سایهٔ همین توانمندی به دست آورده‌اند، لکن در شرایط امروزی برخورداری از این سلاح‌ها تأمین‌کنندهٔ امنیت دارندگان آنها نیست. امروزه پاکستان به‌عنوان کشوری که دارای بمب اتمی است، نه‌تنها در سطح بین‌المللی بلکه در سطح منطقه نیز یک قدرت محسوب نمی‌شود، همچنان که زرادخانهٔ هسته‌ای اسرائیل نتوانست از شکست این رژیم در برابر جبههٔ مقاومت در لبنان و فلسطین جلوگیری کند و کرهٔ شمالی با دستیابی به سلاح هسته‌ای تبدیل به قدرت جهانی نشد، چه اینکه این سلاح از فروپاشی شوروی جلوگیری نکرد؛ بنابراین دستیابی به این سلاح‌ها قدرت‌آفرین نیست. برخی از اندیشمندان نیز به این امر اذعان کرده‌اند. «ونسانت دپورت» اندیشمند فرانسوی دراین‌باره می‌گوید:

«اندیشهٔ هسته‌ای که در بدو امر مسئلهٔ اصلی تفکر استراتژیک بود، امروزه دیگر جایگاه سابق خود را از دست داده است. در واقع وجود سلاح هسته‌ای نه لازم است و نه ضامنی برای تضمین امنیت؛ چرا که حمله‌های دائمی صورت‌گرفتهٔ امروزه را نمی‌توان با سلاح هسته‌ای پاسخ داد».

(*monde-diplomatique.fr /2013/06/desporttes*/49174)

«استفان والت» استاد دانشگاه هاروارد بر این عقیده است که برخلاف آنچه بسیاری از مردم فکر می‌کنند، هم تاریخ و هم فرضیه به ما می‌گوید که سلاح هسته‌ای تأثیر کمی در قدرت یک کشور و نفوذ آن دارد. (*foreign policy* 2012/11/30)

مهم‌ترین دلیل بر قدرت محسوب‌نشدن سلاح‌های کشتارجمعی خصوصاً تسلیحات هسته‌ای این است که امکان به‌کارگیری این سلاح‌ها وجود ندارد: ازآنجاکه اولاً خطرات ناشی از به‌کاربردن این سلاح‌ها چه از نظر زیست‌محیطی و چه از نظر مقابله‌به‌مثل قدرت‌های مخالف، دامن به‌کارگیرندگان این سلاح‌ها را خواهد گرفت؛ ثانیاً به‌کاربردن این سلاح‌ها انزجار افکار عمومی و محکومیت جامعهٔ بشری را به دنبال داشته و خواهد داشت، لذا هیچ قدرتی به خود اجازهٔ استفاده از این سلاح‌ها را نمی‌دهد و در چنین شرایطی وجود این سلاح‌ها به مانند قدرتی غیرقابل اعمال می‌ماند و تهدید ناشی از دارابودن این سلاح‌ها جدی نیست، لذا این تهدید کاربرد ندارد. (*khamenei.ir*)۱۳۹۰/۱۲/۲

علاوه بر اینکه این سلاح‌ها نمی‌تواند حکومت‌ها و رژیم‌های مخالف را از بین ببرد، همچنان که با بمباران اتمی دو شهر ژاپن، حکومت ژاپن از بین نرفت بلکه فقط انسان‌های بی‌گناه و سرزمین‌ها نابود شدند.

به موارد فوق می‌توان این را هم اضافه کرد که امروزه در مخاصمات و جدال‌های زبانی بین کشورهای

درگیر با هم و حتی در تهدیدات ابرقدرت‌ها یا اثری از تهدید به استفاده از سلاح‌های کشتارجمعی وجود ندارد و یا جدی نیست.

ابرقدرت‌ها کشورهای مخالف خود را تحریم اقتصادی، تهدید به مداخلۀ نظامی و... می‌کنند، ولی تهدید به استفاده از سلاح‌های کشتارجمعی نمی‌کنند و این مطلب در خصوص سلاح‌های شیمیایی و میکروبی نمود بیشتری دارد.

به‌کارگیری سلاح شیمیایی حتی در سطح محدود، بلافاصله محکومیت جهانی و انزجار افکار عمومی را به دنبال دارد. کشورهای دارندۀ این نوع سلاح‌ها نیز با صراحت و شدت این موارد را محکوم می‌کنند، حتی مباشران و عاملان اصلی این جنایت‌ها تلاش می‌کنند با انداختن این جنایات به گردن دیگری و گرفتن انگشت اتهام به سوی مخالفان خود، خود را از این نوع جنایت مبرا سازند.

باتوجه‌به آنچه در این دیدگاه بیان شد، می‌توان گفت: بر اساس این دیدگاه مجهزبودن به سلاح‌های کشتارجمعی قدرت محسوب نمی‌شود و مصداق «قوة» نیست؛ بنابراین حکم «و أعدوا» بر آن بار نمی‌شود. به عبارت دیگر، سلاح‌های کشتارجمعی تخصصاً از موضوع «قوة» خارج‌اند و تلاش برخی کشورها برای دستیابی به این نوع سلاح‌ها نیز یک اشتباه محاسباتی است، چه اینکه بر اساس شواهدی که ذکر شد نمی‌توان پذیرفت که عرف جامعۀ بین‌الملل به‌عنوان مرجعی برای تعیین مصداق موضوعاتی مانند قدرت بر قدرت‌بودن سلاح‌های کشتارجمعی مهر تأیید بزند.

آیۀ دوم

یکی دیگر ازآیاتی که به‌عنوان دلیل جواز تولید سلاح‌های کشتارجمعی می‌تواند بررسی شود، آیۀ ۷۱ سورۀ نساء است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوِ انْفِرُوا جَمِيعًا»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آمادگی خود را (در برابر دشمن) حفظ کنید و در دسته‌های متعدد یا به‌صورت دستۀ واحد به‌سوی دشمن حرکت نمائید.

حذر به معنی بیداری و آماده‌باش و مراقبت در برابر خطر است.

معنی حذر به‌قدری وسیع است که هر گونه وسیلۀ مادی و معنوی را در بر می‌گیرد. مسلمانان باید برای دفاع از خویش هر گونه آمادگی از نظر روانی و معنوی و از نظر بسیج منابع فرهنگی، اقتصادی و انسانی و همچنین استفاده از کامل‌ترین نوع سلاح زمان و طرز به‌کارگرفتن آن را فراهم سازند (مکارم شیرازی، ۱٤/٤).

با این وصف، جملۀ «خُذُوا حِذْرَكُمْ» نسبت به «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» اعم است (جوادی

آملی، ۴۶۴/۱۹).

بنابراین یکی از مصادیق (حذر) آمادگی نظامی و مجهزشدن بـه مـدرن‌ترن سـلاح‌های روز اسـت کـه شامل سلاح‌های پیشرفتهٔ کشتارجمعی نیز می‌شود و امر در آیه نـه‌تنها دلالـت بـر جـواز ایـن نـوع آمـادگی می‌کند، بلکه ظهور در وجوب و دلالت بر لزوم آمادگی دارد.

اشکال به استدلال به آیهٔ دوم

همان طور که گذشت هدف و مقصود در آیهٔ «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَـا اسْـتَطَعْتُمْ مِـنْ قُـوَّةٍ» ارهـاب و ترسـاندن دشمن به‌منظور بازدارندگی از اقدام او به جنگ بود که ثمرهٔ آن تحقق امنیت در جامعـهٔ بشـری و خصوصـاً امنیت مسلمانان است. با این توضیح می‌توان گفت که امر به إعداد در آیهٔ ٦٠ انفال بیشتر نـاظر بـه قبـل از وقوع جنگ است.

بنابراین هدف، بیشتر ارهاب است نه إعمال و استفاده، ولی آیـهٔ «خُـذُوا حِـذْرَكُمْ» (نسـاء: ۷۱) ظـاهراً بیشتر ناظر به حین جنگ و دفاع است و فضا، فضای إعمال و استفاده از توانایی و تجهیزات است (جـوادی آملی، ۴۷۲/۱۹)؛ چرا که به‌دنبال آن می‌فرماید:

«فانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوِ انْفِرُوا جَمِيعًا»؛ «و در دسته‌های متعدد یا به‌صورت دستهٔ واحد (طبق شرایط موجـود) به‌سوی دشمن حرکت نمائید».

بنابراین اگر «حذر» شامل تجهیزات جنگی می‌شود، تنها تجهیزاتی را شامل می‌شـود کـه مـا مجـاز بـه استفادهٔ از آن‌ها باشیم؛ لذا شمول «حذر» نسبت به سلاح‌های کشتارجمعی مشروط به جواز استفاده از این سلاح‌ها است؛ به عبارت دیگر در صورتی ما می‌توانیم بگـوییم «حـذر» شـامل سـلاح‌های کشـتارجمعی می‌شود که در بحث استفاده و به‌کارگیری این سلاح‌ها حکم به جواز بدهیم.

آیهٔ سوم

آیهٔ ۸۰ سورهٔ انبیاء و آیهٔ ۱۰ و ۱۱ سورهٔ سبأ نیز می‌تواند برای جواز تولید سلاح مورد استدلال قرار بگیرد. ازآنجاکه موضوع هر دو آیه، ساختن زره توسط حضرت داود است، لـذا دربـارهٔ هـر دو آیـه یکدفعـه بحـث می‌کنیم:

«وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ»

«و ساختن زره را به اوتعلیم دادیم تا شما را در جنگ‌هایتـان حفـظ کنـد آیـا شـکرگزار (نعمت‌هـای خـدا) هستید؟» (انبیاء: ۸۰)

«وَ لَقَدْ آتَيْنا داوُدَ مِنَّا فَضْلاً يا جِبالُ أَوِّبي مَعَهُ وَ الطَّيْرَ وَ أَلَنَّا لَهُ الْحَديدَ أَنِ اعْمَلْ سابِغاتٍ وَ قَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَ اعْمَلُوا صالِحاً إِنِّي بِما تَعْمَلُونَ بَصيرٌ»

«و آهن را بر او نرم کردیم (و به او گفتیم) زره‌های کامل و فراخ بساز و حلقه‌ها را به اندازه و متناسب کن و عمل صالح به جا آورید که من به آنچه انجام می‌دهید بینا هستم.» (سبأ: ۱۱-۱۰)

در مجمع البیان آمده است: «مراد از «لبوس» نام هر نوع سلاحی است زره یا سپر یا شمشیر یـا نیـزه و گفته شده مراد زره است» (طبرسی، ۱۰۱/۷) و همچنین از قتاده نقل می‌کند: «نِ اعْمَلْ سـابِغاتٍ؛ یعنـی بـه اوگفتیم از آهن زره‌های کامل بساز» (طبرسی، ۲۰۰/۸).

با این توضیحات مراد از «سابغ» زره کامل است ولی درباره «لبوس» دو احتمال داده می‌شود کـه مـراد هر نوع اسلحه‌ای باشد یا اینکه مراد خصوص زره باشد.

ممکن است به این دو آیه استدلال شود که خداوند به حضرت داود(ع) ساختن سلاح را تعلیم فرمـوده و به او امر به ساختن آن کرده است تا در جنگ، از آن برای جلوگیری از ضربات دشمن استفاده شـود و ایـن خود دلیل جواز مجهزشدن به هر نوع سلاحی است و روشن است که این از احکـام اختصاصـی انبیـاء یـا حضرت داود(ع) نیست.

اشکال به استدلال به آیهٔ سوم

ازآنجایی‌که هر دو آیه مربوط به داود(ع) است و در «سابغات» هیچ‌کس نگفته است مراد مطلق اسلحه است، احتمال قوی داده می‌شود که مراد از «لبوس» نیز فقط زره باشد. جملهٔ «لتحصنکم من بأسـکم» نیـز مؤید این مطلب است (هاشمی رفسنجانی، ۳۲۹/۱۱) که آنچه به داود(ع) تعلیم داده شده، سـاختن وسـیلهٔ دفاعی بوده است چه اینکه روایت نقل‌شده از امام صادق(ع) در مجمع البیان نیز مؤید همین احتمال است (طبرسی، ۲۰۰/۸). همچنان که «لبوس» از مادهٔ لُبس و پوشش گرفته شده و این نیز شاهدی دیگر بـر ایـن احتمال است. علامه طباطبائی نیز آیهٔ ۸۰ انبیاء را این‌گونه معنی می‌کند: «یعنی به داود(ع) یاد دادیم چگونه برای شما زره بسازد تا شما را از شدت ضربات اسلحه حفظ کند» (طباطبائی، ۳۱۰/۱٤).

با این وصف روشن است که آیه فقط دلیلی برای جواز ساخت ابـزارآلات دفـاعی اسـت و سـلاح‌های کشتارجمعی یک ابزار دفاعی نیستند، لذا امر به ساخت در آیه شامل سـلاح‌های کشـتارجمعی نمـی‌شـود. احتمال اینکه مراد از لبوس مطلق سلاح باشد، باتوجه‌به قرائنی که گذشت ضـعیف اسـت و بـر فـرض ایـن احتمال، واژهٔ «لبوس» نهایتاً شامل سلاح‌های متعارف می‌شود که برای محفوظ‌ماندن از خطرات و ضربات در جنگ است نه هر سلاحی.

قسمت دوم : روایات

روایت اول

امیرالمؤمنین علی(ع) در بخشی از خطبهٔ ۲٦ نهج البلاغه خطاب به مـردم کوفـه می‌فرماینـد: «خُـذُوا

لِلْحَرْبِ أُهْبَتَهَا وَ أَعِدُّوا لَهَا عُدَّتَهَا فَقَدْ شَبَّ لَظَاهَا وَ عَلَا سَنَاهَا وَ اسْتَشْعِرُوا الصَّبْرَ فَإِنَّهُ أَدْعَى إِلَى النَّصْرِ»

« ای مردم کوفه آمادۀ پیکار شوید و سازوبرگ جنگ فراهم آورید؛ زیرا آتش جنگ زبانه کشیده و شعله‌های آن بالا گرفته است. صبر و استقامت را شعار خویش سازید که پیروزی‌آور است» (سیدرضی؛ خطبۀ ۲۶)

روایت دوم

همچنین امیرالمؤمنین علی(ع) در بخشی از خطبۀ ٦٥ نهج البلاغه می‌فرماید:

«ای گروه مسلمانان! پوشش دفاعیتان را کامل و کامل‌تر کنید. پیش از آختن، شمشیرها را در نیام بجنبانید» (سیدرضی؛ خطبۀ ٦٥)

از هر دو کلام امیرالمؤمنین علی(ع) بر می‌آید که فراهم‌کردن سازوبرگ جنگی و امکانات دفاعی و آزمایش اسلحه و مهمات جنگی قبل از نبرد امری ضروری است و باتوجه‌به نقش مهمی که وسائل دفاعی و ابزار جنگی در نبرد دارد مسلمانان باید از تمام امکانات در جهت فراهم‌کردن وسائل دفاعی و ابزار جنگی استفاده کنند.

روایت سوم

در بخشی از سخنان امام حسین(ع) در جنگ صفین آمده است:

«هرکه آمادۀ جنگ شود و سازوبرگ خود را برای آن آماده کند و در گرماگرم پیکار از زخم‌هایش ننالد، مرد میدان نبرد است» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۸٦/۳؛ نصربن‌مزاحم المنقری، ۱۱۵)

ممکن است به این روایات و مانند آن استدلال شود که تعابیری مثل «اهبه» و «عدة» مطلق هستند و باتوجه‌به معانی لغوی آن‌ها «اهبه به‌معنی آمادگی و سازوبرگ جنگی» (جوهری، ۸۹/۱) و «عدة به‌معنی آن چیزی که برای امری آماده می‌شود، اعم از مال و سلاح» (ابن‌منظور، ۲۸٤/۳) شامل هر نوع آمادگی و سازوبرگ جنگی می‌شوند اعم از متعارف و غیرمتعارف، و عموم یا اطلاق این روایات سلاح‌های کشتارجمعی را به‌عنوان یک سازوبرگ جنگی شامل می‌شود.

رد استدلال به روایات

دربارۀ این روایات علاوه بر ضعف سند روایت سوم، باید گفت دلالت تعابیری که ذکر شد (اهبه و عدة) و ظهور آن‌ها، قوی‌تر از تعابیر «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (انفال: ٦۰) و «خُذُوا حِذْرَكُمْ» (نساء: ۷۱) نیست و همان اشکالی که در دو آیه وارد شد، دربارۀ این روایات نیز وارد است و آن اینکه سلاح‌های کشتارجمعی در شرایط امروزی همان طور که مصداق «قوه» و «حذر» نیستند، مصداق «عده» نیز محسوب نمی‌شوند.

بخش دوم

ادلهٔ حرمت تولید و انباشت سلاح‌های کشتارجمعی

در بخش اول به بررسی دلایل وجوب و یا جواز تولید سلاح‌های کشتارجمعی پرداختیم و همان طور که گذشت دلیلی خالی از اشکال یافت نشد، لذا در این بخش به بررسی ادلهٔ حرمت تولید و انباشت سلاح‌های کشتارجمعی می پردازیم.

دلیل اول: مقدمهٔ حرام

بررسی این دلیل با این فرض است که ما استفاده از سلاح‌های کشتارجمعی را به هر دلیلی ازجمله دلیل حرمت اهلاک الحرث و النسل (حب الله، ۳۷۰/۲) حرام بدانیم، بنا بر این فرض، تولید این نوع سلاح‌ها و انباشت و نگهداری آن‌ها مقدمهٔ استفاده از آن‌هاست و مقدمهٔ حرام، حرام است.

رد دلیل اول

اینکه مقدمهٔ حرام، حرام است و بین حرمت ذی‌المقدمه و حرمت مقدمه، ملازمهٔ عقلیه وجود دارد در علم اصول مورد بحث و مناقشه است.

آخوند خراسانی بین مقدمهٔ تولیدیه و غیر آن فرق گذاشته است (آخوند خراسانی، ۱۲۸). با این توضیح که گاهی اوقات مقدمه به‌گونه‌ای است که اگر انجام گیرد، انجام ذی‌المقدمه اختیاری نخواهد بود، در این صورت مقدمهٔ حرام خواهد بود (نایینی، ۲٤۹/۲). ولی اگر مقدمه به‌گونه‌ای باشد که با انجام آن، ذی‌المقدمة از اختیار خارج نمی‌شود و با وجود انجام مقدمه، باز هم فاعل اختیار دارد ذی‌المقدمه را انجام ندهد؛ در این صورت مقدمه حرام نخواهد بود (نایینی، ۲٥۰/۲؛ خوئی،دراسات فی علم الاصول، ۳٦۲/۱؛ صدر، ۲٦۱/٥).

امام خمینی تفصیل آخوند را نفی می‌کند (خمینی،مناهج الوصول، ٤۱٦/۱) و مخقق خوئی حرمت نوع اول از مقدمهٔ حرام را متوقف بر قول به وجود ملازم بین وجوب شیء و وجوب مقدمهٔ آن دانسته و آن را نفی می‌کند (خوئی، محاضرات فی الاصول، ۲۸٤/۲).

بر فرض که تولید سلاح‌های کشتارجمعی مقدمهٔ حرام باشد نه از نظر امام خمینی و محقق خوئی حرام است و نه حتی از نظر آخوند خراسانی و مرحوم نائینی؛ چراکه از مقدمات تولیدیه نیست. بنابراین تولید و انباشت سلاح‌های کشتارجمعی به‌عنوان مقدمهٔ حرام، حرام نیست و این دلیل، برای اثبات حرمت تمام نمی‌باشد.

دلیل دوم: تهدیدکنندهٔ صلح و امنیت جهانی است

همان طور که قبلاً در بیان اشکال دوم به آیهٔ ٦۰ انفال گذشت، تولید و انباشت و افزایش توان تخریبی

سلاح‌های بسیار خطرناک کشتارجمعی خود عاملی برای ایجاد خوف و هراس در جامعهٔ بشری و برهم‌زدن امنیت و آرامش روحی جامعه است.

مفسّران و فقها در ذیل آیهٔ ۳۳ سورهٔ مائده، محارب را به کسی تفسیر می‌کنند که اسلحه کشیده و مـردم را می‌ترساند.

«إِنَّما جَزاءُ الَّذينَ يُحارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَساداً أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْديهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيا وَ لَهُمْ فِي الآخِرَةِ عَـذابٌ عَظـيمٌ» (مائـده: ۳۳)

«کیفر آن‌ها که با خدا و پیامبرش به جنگ بر می‌خیزند و اقدام بـه فسـاد در روی زمـین می‌کننـد (و بـا تهدید اسلحه به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند) فقط این است که اعدام شوند یـا بـه دار آویختـه گردند یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آن‌هـا، بـه عکـس یکـدیگر بریـده شـود؛ و یـا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آن‌ها در دنیاست و در آخرت مجازات عظیمی دارند».

صرف‌نظر از حکم محارب و بحث‌های مختلفی که دربارهٔ حد محارب وارد شده است، در اینجا فقـط کلام فقها را در خصوص معنی محارب بررسی می‌کنیم.

اگرچه نگاه برخی از فقهای شیعه در تعریف محارب معطوف به امنیت اقتصادی است و محارب را بـه راهزنانی که سلاح برکشیده و راه‌ها را برای غارت اموال ناامن می‌کنند، تعریف کرده‌اند؛ مانند شیخ طوسـی در الخلاف و علامه حلی در قواعد الاحکام که اخذ مال را در صدق عنوان محاربه لازم می‌شمارد (طوسی، ٤٥٧/٥؛ علامه حلی، ٥٦٨/٣). لکن نگاه بیشتر فقها معطوف به امنیت اجتماعی است کـه اعـم از امنیـت اقتصادی است.

علامه طباطبائی در المیزان مراد از محاربه را اخلال به امنیت عمومی می‌داند. «مراد از محاربه و افساد به‌طوری‌که از ظاهر آیه بر می‌آید، اخلال به امنیت عمومی است و امنیت عمومی وقتی خلـل می‌پـذیرد کـه خوف عمومی و ناامنی، جای امنیت را بگیرد و ترس عمومی نیز طبعاً و عادتاً از طریق بـه‌کارگیری سـلاح و تهدید به قتل ایجاد می‌شود» طباطبائی، ٣٢٧/٥).

سخن شیخ طوسی در تفسیر تبیان، صریح است در اینکه محاربه در آیهٔ مبارکه اختصاص دارد به معنای سلاح‌کشیدن به قصد ترساندن مردم و سلب امنیت (شیخ طوسی، ٥٠٤/٣؛ هاشمی شاهرودی، ٣٦٠/١) و در المبسوط دربارهٔ محارب می‌گوید: «آنچه اصحاب ما روایت کرده‌اند اینکه مـراد از محـارب هـر کسـی است که اسلحه بکشد و مردم را بترساند چه در دریا و چه در خشکی، چه در شهر و چه در بیابـان» (شـیخ طوسی، ٤٧/٨). فاضل مقداد در کنز العرفان و ابن‌ادریس در بخش حدود کتاب سـرائر نیـز همـین نظـر را

دارند (فاضل مقداد، ۳۵۲/۲؛ ابن‌ادریس، ۵۰۵/۳).

همان طور که مشاهده می‌شود هر کسی که اسلحه بکشد و مردم را بترساند، محارب است. امام خمینی نیز در تعریف محارب همین نظر را دارند: «محارب کسی است که شمشیرش (سلاحش) را برهنه کند یا آن را تجهیز نماید تا مردم را بترساند و می‌خواهد در زمین افساد کند» (خمینی، تحریر الوسیله، ۸۸۹)

همچنین از اطلاق کلام برخی از فقها چنین برداشت می‌شود که لازم نیست این ایجاد ترس در بین مسلمانان باشد. تعبیر «لاخافة الناس» که در کلمات فقها آمده است، مشعر به این عمومیت می‌باشد و صاحب‌جواهر ایجاد ترس نسبت به هر کسی که امنیت او لازم است را در تحقق عنوان محارب کافی می‌داند و دراین‌باره فرقی بین مسلمان و غیرمسلمان قائل نیست (صاحب‌جواهر، ٥٦٤/٤١)، چه اینکه فرقی بین بلاد اسلام و غیر آن قائل وجود ندارد (همو، ٥٦٤/٤١؛ طوسی، النهایة، ۷۲۰).

کما اینکه برای تحقق عنوان محارب، قصد افساد در زمین کافیست و تحقق خارجی افساد و عملی‌کردن آن شرط نمی‌باشد، نتیجهٔ چنین برداشتی از قید «یَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا» در آیه این است که هر کسی سلاح بکشد و مردم را بترساند و قصد افساد در زمین داشته باشد ولو اینکه موفق به تحقق فساد در خارج نشود، مصداق محارب است (هاشمی شاهرودی، ۳۸۹/۱).

وقتی اسلام برای شمشیرکشیدن و ترساندن مردم و برهم‌زدن امنیت و آرامش اجتماعی چنین مجازت سنگینی در نظر گرفته است، بدان معناست که هر چیزی که تهدیدکنندهٔ امنیت و آرامش جامعه باشد محکوم به ممنوعیت است. حال باتوجه‌به آثار تخریبی وحشتناکی که این سلاح‌ها دارد و قبلاً به بخشی از آن‌ها اشاره شد و باتوجه‌به اینکه زمانی که لازم است تا با استفاده از سلاح کشتارجمعی میلیون‌ها انسان را نابود کرد، بسیار کمتر است از زمانی که لازم است یک محارب با شمشیر، حداکثر صد نفر انسان را به قتل برساند. روشن است که مجهزشدن به این نوع سلاح‌ها بسیار خطرناک‌تر از شمشیر برهنه یک محارب است و به‌طریق اولی مشمول معنی اصطلاحی محاربه می‌شود و کمی توجه به این نوع سلاح‌ها و آثار آن‌ها و زمان لازم برای استفاده از آن‌ها برای اذعان به تهدیدبودن آنها علیه صلح و امنیت جهانی کافیست. شاهد این مطلب مطالبهٔ عمومی و تلاش بسیاری از کشورها برای جلوگیری از تولید این سلاح‌ها و نابود کردن سلاح‌های موجود است.

معاهدات بین‌المللی در این خصوص و محتوای این معاهدات که بخشی از آن قبلاً گذشت خود مؤید این مطلب است. به‌عنوان مثال در پیمان (NPT) آمده است:

باتوجه‌به ویرانی‌هایی که یک جنگ هسته‌ای برای بشریت به بار خواهد آورد و نتیجهٔ لزوم مجاهدت

همه‌جانبه در دفع خطر یک چنین جنگی و اقدام در راه حفظ امنیت مردم و با ایقان به اینکه گسترش سلاح‌های هسته‌ای خطر جنگ هسته‌ای را شدیداً افزایش خواهد داد (ممتاز، ۹٤).

آیت‌الله‌خامنه‌ای تولید و انباشت سلاح‌های هسته‌ای را تهدید علیه بشریت می‌داند و به خواست مؤکد و مکرر جامعهٔ جهانی برای نابودی این سلاح‌ها توجه می‌دهد (*khamenei.ir*) ۱۳۸۹/۱/۲۷

آیا وجود این نگرانی‌ها و مطالبات شاهد این نیست که تولید و انباشت سلاح‌های کشتارجمعی یک تهدید جدی برای صلح و امنیت جهانی است؟

دلیل سوم: حرمت اضرار به غیر

این دلیل مبتنی بر این است که سعی و تلاش برای دستیابی و تولید سلاح‌های کشتارجمعی ضرر و آسیب جدی به محیط‌زیست و در نهایت حتی به انسان حتی به نسل‌های آینده می‌زند. کبرای قضیه یعنی حرمت اضرار به غیر، امری مسلم و مدلل به دلایل عقلی و نقلی است. علاوه بر اینکه اضرار به غیر، ظلم است و قبح ظلم از مستقلات عقلیه است. آیاتی مانند سورهٔ بقره (۲۳۳، ۲۳۷، ۲۸۲) و آیهٔ ٦ طلاق و همچنین روایات متعددی دلالت به این حکم دارد (روحانی، ۲۹۵/۵) و اما صغرای قضیه یعنی اینکه دستیابی به این نوع سلاح‌ها مستلزم ضرر و آسیب جدی به محیط‌زیست و بشر می‌باشد، امری است که باید در مورد آن به متخصصان این امر و کاشناسان مراجعه کرد (حب‌الله، ۳٤٦/۲). گزارش‌های متخصصان این امر حاکی از این واقعیت است که تشعشعات خطرناک و خاکسترهای اتمی ناشی از آزمایش‌های اتمی که تا شعاع صدها و یا هزاران کیلومتر به اطراف پراکنده می‌شود، موجب بسیاری از بیماری‌ها نظیر سرطان می‌گردد. آثار و نتایج وخیم ناشی از پخش مواد و ذرات رادیواکتیو در فضا علاوه بر آلودگی محیط‌زیست و بهداشت، موجب صدمه به نسل‌های آینده می‌شود. این آثار اختصاص به آزمایش‌های هسته‌ای ندارد، بلکه هر گونه آلودگی هسته‌ای و همچنین زباله‌ها و فضولات آن موجب چنین آثار خطرناکی است (مشیرپور، ۱۰۳-۱۱)

آنچه که در این دلیل قابل مناقشه و توجه است اینکه این اضرار به غیر، به شرطی بر حرمت خود باقی است که با مصلحت دیگری که اهم از آن باشد تزاحم نداشته باشد، چه اینکه آزمایش‌های هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی که به‌منظور مقاصد صلح‌آمیز مانند تولید انرژی، مصارف پزشکی هسته‌ای، تولید واکسن‌ها و... صورت می‌گیرد، با اینکه دارای آثار سوء می‌باشد ولی به‌دلیل اهمیت آن اهداف صلح‌آمیز و گاهی حیاتی‌بودن آن مقاصد، ممنوع نمی‌باشد و حکم حرمت بر آن بار نمی‌شود. در مورد سلاح‌های کشتارجمعی نیز اگرچه دستیابی به آنها از طرفی منجر به اضرار به غیر می‌شود و حرام است ولی ممکن است گفته شود که از طرف دیگر به استناد آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ...» و به‌دلیل وجوب آمادگی در برابر دشمنان و إعداد قوا به‌منظور ارهاب آنان این دستیابی واجب و لازم است. در این صورت این موضوع از مصادیق باب

تزاحم خواهد بود که حکم تزاحم یعنی تقدیم اهم در آن جاری خواهد شد (حب‌الله، ۳٦۸/۲)

ولی بر اساس آنچه که قبلاً در بخش اول گذشت هیچ‌کدام از ادلهٔ جواز تولید سلاح‌های کشتارجمعی تمام نبود؛ بنابراین وجوب دستیابی و تولید این نوع سلاح‌ها ثابت نیست تا با حرمت اضرار تنازع کند و اشکال و مناقشه در دلیل سوم حرمت وارد نیست.

دلیل چهارم: لغو و اسراف

وقتی سلاح‌های کشتارجمعی خصوصاً تسلیحات هسته‌ای در شرایط امروزی که انزجار افکار عمومی و محکومیت جامعهٔ بشری مانع از استفاده از آن‌ها می شود قابل استفاده نیست و امنیت حاصل از آن همان طور که قبلاً گذشت یک امنیت کاذب و خیالی است، بنابراین هزینه‌کردن منابع بی‌شمار اقتصادی و انسانی برای آن، مصداق بارز اسراف و تضییع اموال عمومی است و حرمت اسراف و تضییع اموال، امری بدیهی است.

آیت‌الله خامنه‌ای تولید سلاح‌های کشتارجمعی را کاری بیهوده، پرهزینه، پر دردسر و پرخطر می‌دانند. «ما استفاده از این تسلیحات را گناه بزرگی می‌دانیم و نگه‌داشتنش را یک کار بیهوده، پرضرر و پرخطر می‌دانیم» (*khamenei.ir*) ۱۳۹۰/۱۲/۳

«تسلیحات هسته‌ای جز هزینهٔ ایجاد و هزینهٔ نگهداری، هیچ فایده‌ای ندارد» (*khamenei.ir*) ۱۳۸۷/۳/۱٤

« منابع خارج از شمار اقتصادی و انسانی در رقابت غیرعقلانی هزینه شده‌اند تا هر یک از ابرقدرت‌ها توان خیالی پیدا کنند» (*khamenei.ir*) ۱۳۸۹/۱/۲۷

و به بیانی که قبلاً گذشت ازآنجایی‌که برخورداری از این نوع سلاح‌ها مصداق قوه در آیهٔ ٦۰ انفال نیست، لذا این آیه نمی‌تواند دلیلی بر خروج تخصصی این سلاح‌ها از ادلهٔ حرمت لغو و اسراف باشد.

نتیجه

مهم‌ترین ادله برای جواز تولید سلاح‌های کشتارجمعی، ادلهٔ وجوب آمادگی برای دفاع و لزوم مجهزشدن به سلاح‌هایی به‌منظور بازدارندگی دشمن است. اگرچه ظاهر برخی از آیات و روایات خصوصاً آیهٔ ٦۰ سورهٔ انفال دلالت بر جواز، بلکه وجوب مجهزشدن به هر سلاحی ازجمله سلاح‌های کشتارجمعی به‌منظور ارهاب دشمنان و با هدف نهایی ایجاد صلح و امنیت دارد، لکن ازآنجایی‌که اولاً وجود این سلاح‌های بسیار خطرناک و تولید و انباشت و افزایش توان تخریبی آن‌ها خود عاملی برای برهم‌زدن امنیت و آرامش روحی جامعه است و با آن هدف نهایی منافات دارد؛ و ثانیاً در شرایط امروزی دستیابی به این نوع

سلاح‌ها به‌دلیل عدم امکان استفاده از آن‌ها قدرت محسوب نمی‌شود و تخصصاً از این ادله خـارج اسـت، لذا ادلهٔ وجوب تمام نیست و از طرف دیگر به‌دلیل اینکه اولاً دستیابی و تولید و افزایش تـوان تخریبـی ایـن سلاح‌ها تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی اسـت و بـه‌طریق أولـی مشـمول معنـی اصـطلاحی محاربـه می‌شود و ثانیاً دستیابی به آن مستلزم ضرر و آسیب جدی به محیط‌زیسـت و در نهایـت بـه انسـان و حتـی نسل‌های آینده است و ثالثاً به‌دلیل اینکه برخورداری از این نوع سلاح‌ها ضامن تحکیم و حفظ قـدرت‌های دارندگان آن نیست و تولید و انباشت این سلاح‌ها کاری بیهوده و مصداق اسـراف و تضـییع امـوال عمـومی است، لذا تولید، نگهداری و افزایش توان تخریبی سلاح‌های کشتارجمعی جایز نبوده و حکم حرمت بر آن جاری است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی

آخوند خراسانی، محمدکاظم‌بن‌حسین، ***کفایة الاصول***، قم، مؤسسهٔ آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمیدبن‌هبةالله، ***شرح نهج البلاغه***، بی‌جا، دار احیاء الکتب العربیه، چاپ اول، ۱۳۷۸ق.

ابن‌ادریس، محمدبن‌احمد، ***السرائرالحاوی لتحریرالفتاوی***، قم، انتشارات جامعهٔ مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.

ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم، ***لسان العرب***، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.

جوادی آملی، عبدالله، ***تفسیر تسنیم***، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۹.

جوهری، اسماعیل، ***الصحاح***، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

حب الله، حیدر، ***دراسات فی الفقه الاسلامی المعاصر***، قم، دارالفقه الاسلامی المعاصر، چاپ اول، ۲۰۱۱م.

خمینی، روح‌الله، ***مناهج الوصول الی علم الاصول***، قم، مؤسسهٔ تنظـیم و نشـر آثـار امـام خمینـی، چـاپ و نشـر عروج، ۱۴۱۴ق.

ـــــــــــــ، ***تحریر الوسیله***، بی‌جا، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثـار امـام خمینـی، چـاپ و نشـر عـروج، چـاپ اول، ۱۳۷۹.

ـــــــــــــ، ***ولایت فقیه***، بی‌جا، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۹.

خوئی، ابوالقاسم، ***دراسات فی علم الاصول***، قم، مؤسسهٔ دائرة المعارف فقه اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.

ـــــــــــــ، (۱۴۲۲ق) ***محاضرات فی اصول الفقه***، قم، مؤسسهٔ دار احیاء الآثار الامام الخـوئی، چـاپ اول، ۱۴۲۲ق.

روحانی، محمدصادق، ***زبدة الاصول***، تهران، نشر حدیث دل، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

صاحب‌جواهر، محمدحسن‌بن‌باقر، ***جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام***، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.

صدر، سیدمحمدباقر، ***دروس فی علم الاصول***، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.

طباطبائی، محمدحسین، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، بیروت، مؤسسه اعلمی، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.

طبرسی، فضل‌بن‌حسن، تفسیر ***مجمع البیان***، بیروت، مؤسسه اعلمی، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

طوسی، محمدبن‌حسن، ***النهایه فی مجرد الفقه والفتاوی***، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.

________، ***التبیان فی تفسیر القرآن***، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

________، ***المبسوط***، تهران، مکتب المرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.

________، ***الخلاف***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.

علامه حلی، حسن‌بن‌یوسف، ***قواعد الاحکام***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

فاضل مقداد، مقدادبن‌عبدالله، ***کنزالعرفان فی فقه القرآن***، قم، انتشارات مرتضوی، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.

قرائتی، محسن، ***تفسیر نور***، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.

کلینی، محمدبن‌یعقوب، ***الکافی***، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

مشیرپور، فریبا، ***فن‌آوری هسته‌ای و حفاظت ازمحیط زیست***، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۴.

مظفر، محمدرضا، ***اصول الفقه***، قم، مؤسسۀ نشر اسلامی، چاپ پنچم، ۱۴۳۰ق.

مکارم شیرازی، ناصر، ***تفسیر نمونه***، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی‌ام، ۱۳۸۷.

ممتاز، جمشید، ***حقوق بین‌الملل و سلاحهای کشتارجمعی***، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰.

نصربن‌مزاحم، منقری، ***وقعة صفین***، قاهره، المؤسسة العربیة الحدیثة، چاپ دوم، ۱۳۸۲ق.

نایینی، محمدحسین، ***اجودالتقریرات*** (تقریرات خوئی)، قم، مطبعة العرفان، چاپ اول، ۱۳۵۲.

هاشمی رفسنجانی، اکبر، ***تفسیر راهنما***، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۶.

هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، ***قرائات فقهیه معاصره***، قم، مؤسسۀ دائرة المعارف فقه اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.

یزدی، محمد، ***فقه القرآن***، قم، مؤسسۀ اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

روزنامۀ ***کیهان***، شمارۀ ۲۱۴۷۴، ششم آبان ۱۳۹۵.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای KHAMENEI.IR

1- foreignpolicy.com/2012/11/30/the،mother،of،all،worst،case،assumptions،about،iran

2- www.monde،diplomatique.fr /2013/06/desportes/49174